

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد

بررسی نظریه حکمرانی خوب در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران،

مطالعه موردی: حکومت پهلوی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲

استاد راهنما

خانم دکتر فریده محمد علی‌پور

استاد مشاور

آقای دکتر غلامرضا کریمی

دانشجو

سید رضا رحیمی عماد

پاییز ۱۳۹۱

تقدیم

- این پایان نامه را ضمن تشکر و سپاس بیکران و در کمال افتخار و امتنان تقدیم می‌نمایم به:
- محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر همه ی تلاشهای محبت آمیزی که در دوران مختلف زندگی ام انجام داده‌اند و با مهربانی چگونه زیستن را به من آموخته‌اند.
 - به استادان فرزانه و فرهیخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نمودند .
 - به آنان که در راه کسب دانش راهنمایم بودند .
 - به آنان که نفس خیرشان و دعای روح پرورشان بدرقه ی راهم بود.
 - الهها به من کمک کن تا بتوانم ادای دین کنم و به خواسته آنان جامه‌ی عمل بپوشانم .
 - پروردگارا حسن عاقبت ، سلامت و سعادت را برای آنان مقدر نما .
 - خدایا توفیق خدمتی سرشار از شور و نشاط و همراه و همسو با علم و دانش و پژوهش جهت رشد و شکوفایی ایران کهنسال عنایت بفرما.

تقدیر و شکر

نظر به این که قدردانی و پاسِ زحمت خیرخواهان و نیکوکاران امری فطری است و برگشت آن به شکر خداوند متعال می‌باشد؛ لذا لازم دانسته از راهنمایی‌های گران‌قدر استاد، دکتر فریده محمد علی‌پور، مشاوره‌های راه‌گشای استاد، دکتر غلامرضا کریمی کمال تشکر را داشته باشم. همچنین حمایت‌های بی‌منت پدر و مادر مهربانم را نیز ارج می‌نهم و ادای پاداش همه این عزیزان را، به عطای صاحب آیات نور، خداوند جلیل، واگذار می‌کنم.

چکیده

با فروپاشی حکومت پهلوی، دوران جدیدی از تحولات سیاسی در ایران شکل می‌گیرد. نظام سیاسی پهلوی با وجود اقدامات گسترده‌ای که برای تحکیم پایه‌های قدرت خویش انجام داد، سرانجام محکوم به سرنگونی شد. سوال اصلی پایان‌نامه این است که ریشه شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران چه بوده است؟ در پاسخ‌گویی به سوال فوق از نظریه حکمرانی خوب بهره‌برداری شده است. حکمرانی خوب بر تعامل سازنده دولت و جامعه مدنی تاکید دارد که محصول این تعامل کنترل فساد سیاسی، ثبات سیاسی و مشارکت سیاسی است. در دوره پهلوی دوم بویژه از سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ فساد سیاسی رو به گسترش نهاد، مشارکت سیاسی مردم محدود و جامعه مدنی تضعیف شد. در تحولات سیاسی ایران نهاد روحانیت خلاء وجود جامعه مدنی را پر کرده است. روحانیت در پهلوی دوم به مخالفت با رژیم حاکم پرداخت و به سازماندهی مشارکت سیاسی مردم علیه حکومت پهلوی پرداخت و به بی‌ثباتی سیاسی دامن زد. این عوامل باعث تقابل جامعه مدنی با دولت و در نهایت باعث تسریع روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران شد.

واژگان کلیدی: حکومت پهلوی دوم، انقلاب اسلامی ایران، حکمرانی خوب، دولت، جامعه مدنی، فساد سیاسی، مشارکت سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	بیان مساله
۵	اهمیت موضوع
۵	پیشینه ادبی تحقیق
۱۱	سؤال اصلی تحقیق
۱۱	سؤالات فرعی تحقیق
۱۱	فرضیه تحقیق
۱۱	متغیرها
۱۲	روش تحقیق
۱۲	روش و ابزارهای گردآوری اطلاعات و داده ها
۱۲	اهداف تحقیق و پیامدهای اثبات فرضیه
۱۲	سازماندهی پایان نامه
۱۴	پی نوشت
۱۵	فصل اول: حکمرانی خوب
۱۷	گفتار نخست: مفهوم حکمرانی خوب
۱۷	۱-۱ مفهوم حکمرانی
۲۰	۲-۱ مفهوم خوبی
۲۳	۳-۱ تعریف حکمرانی خوب
۲۷	گفتار دوم: پیشینه تاریخی شکل گیری مفهوم حکمرانی خوب
۳۲	گفتار سوم: شاخص های حکمرانی خوب
۳۶	۱-۳ شاخص حاکمیت قانون
۳۷	۲-۳ شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی
۳۸	۳-۳ شاخص اثربخشی دولت
۳۹	گفتار چهارم: الگوی عملیاتی حکمرانی خوب
۳۹	۱-۴ نقش و جایگاه دولت در حکمرانی خوب

۴۲	۲-۴ نقش و جایگاه جامعه مدنی در حکمرانی خوب
۴۴	۳-۴ نحوه تعامل دولت و جامعه مدنی در نظریه حکمرانی خوب
۴۶	۴-۴ شاخص‌های ثبات‌سیاسی
۴۷	۱-۴-۴ تعریف
۴۹	۲-۴-۴ عوامل بی‌ثباتی سیاسی
۵۱	۳-۴-۴ شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی
۵۳	۴-۴-۴ پیامدهای بی‌ثباتی سیاسی
۵۴	۵-۴ شاخص‌های فساد سیاسی
۵۵	۱-۵-۴ تعریف فساد
۵۶	۲-۵-۴ انواع فساد و فساد سیاسی
۵۷	۳-۵-۴ ریشه‌های فساد سیاسی
۵۸	۴-۵-۴ پیامدهای فساد سیاسی
۵۹	۵-۵-۴ راهکارهای مبارزه با فساد سیاسی
۶۲	۶-۴ شاخص‌های مشارکت سیاسی
۶۸	پی‌نوشت
۷۰	فصل دوم: تحلیل ساختار حکومت پهلوی بر مبنای نظریه حکمرانی خوب
۷۲	گفتار نخست: تاریخچه حکومت پهلوی
۷۲	۱-۱ دوره ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰
۷۳	۲-۱ دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲
۷۵	۳-۱ دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷
۷۹	گفتار دوم: ثبات سیاسی در حکومت پهلوی (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)
۷۹	۱-۲ اعتصاب
۸۱	۲-۲ تظاهرات
۸۵	۳-۲ خشونت سیاسی
۸۶	۴-۲ حرکت‌های چریکی
۸۷	۵-۲ ترور و اقدامات تروریستی
۸۹	۶-۲ سخنرانی‌های ضد حکومتی
۹۲	گفتار سوم: مشارکت سیاسی در حکومت پهلوی (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)

۹۲	۱-۳ سیستم انتخاباتی
۹۳	۲-۳ فعالیت‌های حزبی
۹۵	۳-۳ جایگاه مردم
۹۷	۴-۳ نقش جامعه مدنی در مشارکت سیاسی
۱۰۱	گفتار چهارم: فساد سیاسی در حکومت پهلوی (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)
۱۰۱	۱-۴ فساد مالی
۱۰۲	۲-۴ استبداد و دیکتاتوری
۱۰۳	۳-۴ هزینه‌های نظامی مضاعف
۱۰۴	۴-۴ عدم شایسته‌سالاری
۱۰۵	۵-۴ عدم تفکیک قوا (عدم استقلال قوا)
۱۰۶	۶-۴ جدایی دولت از ملت
۱۰۷	۷-۴ وابستگی سیاسی
	گفتار پنجم: نقش و جایگاه دولت و جامعه مدنی و نحوه تعامل آن‌ها در دوران پهلوی (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)
۱۰۹	تا ۱۳۵۷)
۱۲۰	پی‌نوشت
۱۲۱	نتیجه‌گیری
۱۲۴	منابع و مآخذ

مقدمه

بیان مساله

با ناکامی مشروطه‌خواهان و دشواری‌های پدید آمده بر سر راه مشروطه‌سازی نظام سلطنتی، بتدریج زمینه‌های زوال حکومت قاجاریه فراهم شد که با کودتای سال ۱۲۹۹ رضاخان میرپنج تکمیل شد. با خروج احمدشاه از چرخه قدرت، رضاخان زمینه‌های تبدیل خود به رضاشاه را فراهم کرد. در سال ۱۳۰۴ رضاخان با تشکیل مجلس مؤسسان خلع احمدشاه را از سلطنت ایران اعلام نمود و بوجود آمدن حکومتی نوین، تحت عنوان پهلوی را اعلام کرد و نهایتاً در سال ۱۳۰۵ رسماً تاج شاهی را بر سر نهاد. بدین سان سلسله پهلوی در ایران شکل گرفت. دوران سلسله پهلوی را می‌توان به دو دوره کلی پهلوی اول و پهلوی دوم تقسیم کرد.

دوره نخست که به دوره رضاشاهی نیز معروف است حدود ۱۶ سال طول کشید. ویژگی مشخصه این دوره را می‌توان ورود مظاهر تجدد و غربی شدن به همراه استبداد دانست. دوره پهلوی دوم خود به دو مقطع کاملاً متفاوت سیاسی قابل تقسیم است. در مقطع نخست شامل سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، فضای سیاسی نسبتاً بازی شکل می‌گیرد و احزاب گوناگون به فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای دست می‌زنند. به نوعی که می‌توان از چرخه نخبگان قدرت در این دوره صحبت به میان آورد، چنانکه در دوره مصدق شاهد این هستیم که جایگاه شاه در معادلات سیاسی کمرنگ می‌شود و نخست وزیر قدرت را در دست دارد.

با شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دکتر مصدق، مقطع دوم پهلوی دوم شکل می‌گیرد. در این دوران محمدرضاشاه که قریب به یک دهه از قدرت کنار گذاشته شده بود، به قدرت بازمی‌گردد. محمدرضاشاه در پی تحکیم جایگاه خود دست به اقدامات گسترده‌ای می‌زند. از جمله مهم‌ترین اقدامات وی می‌توان به سرکوب احزاب مخالف، نابودسازی مخالفین و حذف آن‌ها از صحنه قدرت سیاسی، انقلاب سفید، اصلاحات ارضی و تاکید بر هویت ایرانی اشاره کرد. در کنار این اقدامات می‌توان از گسترش فساد سیاسی - اقتصادی، تبدیل شدن حکومت به حکومت رانتیر و نابودی مظاهر جامعه مدنی صحبت به میان آورد. در دوران پهلوی دوم شاهد قدرت‌یابی مجدد دربار هستیم. روند رو به گسترش استبداد و شخصی نمودن قدرت با حذف گروه‌های مخالف و تضعیف نهادهای مدنی و اجتماعی، ویژگی عمده دوره پهلوی دوم بود. حکومت با فاصله‌گیری از جامعه مشارکت سیاسی را محدود می‌کند و نقش مردم را در تعیین سرنوشت خود، حذف می‌کند. رژیم پهلوی با تاسیس نهادهای اطلاعاتی نظیر ساواک و تقویت ارتش وابسته به دربار بر اختناق سیاسی می‌افزاید

همچنین با نابودی احزاب مخالف و سرکوب مخالفان سیاسی، احزاب وابسته‌ای را ایجاد و سعی در فریب افکار عمومی می‌کند. رژیم حاکم در این دوره با سوءاستفاده از قدرت و ثروت عمومی دچار فساد سیاسی می‌شود و از این طریق باعث خشم ملت می‌شود. جامعه شیعی ایران که مخالف سیاست‌های شاه است، به حمایت از جامعه روحانیت می‌پردازد. روحانیت به عنوان مهم‌ترین گروه سیاسی و اجتماعی ایران، خواسته‌های مردم را بیان و با استبداد رژیم پهلوی مخالفت می‌کند. جامعه روحانیت به رهبری امام خمینی(ره) به جهت‌دهی مشارکت سیاسی مردم علیه رژیم می‌پردازد و از این طریق سلسله‌ای از بی‌ثباتی‌های سیاسی ایران را دربرمی‌گیرد. با گسترش اعتصابات و تظاهرات ضدحکومتی روندی از ناآرامی‌های سیاسی در سراسر ایران شروع می‌شود. رژیم پهلوی نیز با گسترش سرکوب مخالفان بر خشونت سیاسی افزود و از این طریق سعی نمود اوضاع را کنترل کند. حکومت پهلوی با وجود اقدامات گسترده‌ای که برای تثبیت جایگاه خود نمود به دلیل ضعف‌های ساختاری و نقایص بسیار در نهایت نتوانست در مقابل موج مردمی دوام بیاورد و مقهور خواست جامعه شد.

بدین طریق با ایجاد شکاف میان دولت و جامعه مشروعیت سیاسی حکومت پهلوی از بین رفت و مخالفان از تغییر حکومت صحبت به میان آوردند. با شکل‌گیری حکومت موقت به ریاست مهدی بازرگان مشروعیت عملی رژیم نیز از میان رفت و در نهایت با پیروزی انقلاب نظام جدیدی تحت عنوان جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، پا به عرصه وجود گذاشت. بدین‌سان در بروز انقلاب اسلامی ایران عوامل متعددی دخیل بوده‌اند که دسته‌ای از این عوامل، خارجی یعنی از سوی مخالفان رژیم و دسته‌ای دیگر درونی یعنی به دلیل ضعف رژیم بودند. با ضعف رژیم در قبال خواست مردم، مبارزات سیاسی شدت بیشتری گرفت و خواست ملت فراتر از تغییرات ظاهری، به تغییر حکومت تبدیل شد. ملت با هدایت روحانیت مبارز به برپایی تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده دست‌زده و به اعتصابات گسترده و فلج‌کننده روی آوردند. اعتصابات و تظاهراتی که فراتر از خواست‌های اقتصادی در سطوح سیاسی و اجتماعی برگزار شد، رژیم حاکم را ناتوان‌تر کرد. در این زمان روحانیت با استفاده از فرصت مناسب، رهبری قیام ملت را برعهده گرفت و نقش محوری امام خمینی(ره) پررنگ‌تر از پیش نمایان شد. روحانیت با استفاده از رهبری امام خمینی(ره) و همچنین استفاده از منابر و تریبون‌های اجتماعی موجود به بسیج گسترده توده‌ها دست زد و علاوه بر اصلاح حکومت خواستار تغییر ریشه‌ای حکومت شد. با فعالیت روحانیت که نقشی همانند جامعه مدنی را بر عهده گرفته بود تظاهرات و اعتصابات رو به گسترش نهاد و این امر با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی همراه شد. این شعار در حقیقت بیان‌کننده حکومتی جایگزین رژیم حکومت

شاهنشاهی بود که در آن بر ایجاد حکومت اسلامی به همراه جمهوریت تاکید می‌شد. در کنار اعتصابات و تظاهرات که تنها دو نمونه از نحوه مبارزات سیاسی علیه رژیم بود، گروه‌هایی نیز به مبارزات چریکی در راستای ساقط کردن رژیم روی آوردند. در این گونه مبارزات اصل بر مبارزه مسلحانه علیه رژیم گذاشته شده بود. در کنار این عوامل بیرونی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران دسته‌ای از عوامل درونی نیز به تسریع روند شکل‌گیری انقلاب کمک کرد. این عوامل درونی عمدتاً به ویژگی‌های خود رژیم و ضعف‌های آن بازمی‌گردد. مهمترین عامل درونی فساد سیاسی حاکم در رژیم بود. فساد سیاسی خود را در مظاهری نظیر دیکتاتوری، تقلب، عدم دخالت مردم در سیاست‌گذاری و شخصی شدن قدرت نشان داد که باعث مختل شدن در امر مشارکت سیاسی مردم شد و نقش جامعه مدنی در سیاست را تضعیف نمود. در مجموع می‌توان انقلاب اسلامی ایران را محصول ناکارآمدی دستگاه حکومت و نادیده گرفتن مشارکت سیاسی مردم، از بین رفتن ثبات سیاسی و هدایت افکار عمومی از سوی جامعه روحانیت مبارز دانست.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های جهان مطرح است که با وقوع آن بسیاری از معادلات و تحلیل‌های سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی به هم ریخت. این انقلاب از روزهای نخست پیروزی تاکنون که به دهه چهارم وارد شده است، همواره مورد بررسی و کنکاش اندیشمندان، محققان و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی قرار گرفته است. در راستای علت وقوع انقلاب ایران و زمینه‌های شکل‌گیری آن نظریات متفاوت و متنوعی مطرح شده است که در قسمت پیشینه ادبی پایان‌نامه به چکیده‌ای از آن‌ها اشاره خواهد شد. در این پایان‌نامه، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را در ارتباط با نظریه حکمرانی خوب مدنظر قرار داده‌ایم.

حکمرانی مفهومی قدیمی در علم سیاست به شمار می‌آید که از دوران افلاطون به این سو همواره بر آن تاکید شده است. افلاطون حکمران شایسته مدنظر خود را فیلسوف شاه می‌نامید و آن را می‌ستود. حکمرانی را می‌توان یکی از بن‌مایه‌های ارکان تشکیل‌دهنده دولت نامید که مسلماً بدون وجود آن ماهیت دولت بی‌معنا خواهد بود. چنانچه از تعاریف دولت - ملت (nation _ state) برمی‌آید ارکان تشکیل‌دهنده دولت چهار عنصر جمعیت، سرزمین، حاکمیت و حکومت هستند.

مفهوم حکمرانی خوب (good governance)، مفهومی نوین در علوم سیاسی است که در دهه ۱۹۹۰ توسط بانک جهانی (World Bank) در راستای الگوهای توسعه مطرح می‌شود (میدری، ۱۳۸۴: ۹۴). این مفهوم نیز همانند سایر مفاهیم در علوم انسانی و خصوصاً در علوم سیاسی مورد

جرح و تعدیل‌های فراوانی قرار گرفته و تعاریف متفاوت و متنوعی از آن شده است که هر تعریف شاخص‌هایی را برای آن مدنظر قرار داده است.

این پایان‌نامه در پی آن است تا با استفاده از نظریه حکمرانی خوب به بررسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بپردازد. با انتخاب سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ در دوران پهلوی دوم، این دوران را از لحاظ سازگاری یا عدم سازگاری با نظریه حکمرانی خوب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم تا دریابیم که چگونه انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت؟ چرا با وجود اقدامات گسترده محمدرضا شاه در جهت تثبیت حکومت خود نتوانست این مهم را عملی سازد؟ ریشه‌ها و علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی چه بوده است؟ در این پایان‌نامه نظریه حکمرانی خوب را تبدیل به الگویی نموده‌ایم تا از طریق آن به سؤالات فوق پاسخ دهیم. هرچند که این امر نمی‌تواند، پاسخ‌گوی قطعی به چرایی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران باشد لیکن می‌تواند به عنوان عاملی کافی در تسریع روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به شمار آید.

اهمیت موضوع

اهمیت این موضوع از این‌رو است که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های رخ داده در قرن بیستم دارای ماهیتی مذهبی است که به تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر مذهب منجر شده است. با گذشت بیش از سه دهه از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نگارش آثار فراوان از سوی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی هنوز هم زوایایی از آن مورد غفلت واقع شده است. به این دلیل، شناخت بهتر انقلاب اسلامی ایران و خصوصاً چرایی شکل‌گیری آن اهمیت فراوانی دارد به نحوی که این امر نه تنها وظیفه محققین می‌باشد بلکه همت مسئولان را نیز می‌طلبد تا با حمایت از پژوهشگران در این زمینه شناخت بهتری از انقلاب اسلامی ایران به دست آید.

پیشینه ادبی تحقیق

انقلاب ایران از مهم‌ترین انقلاب‌های قرن بیستم بود که اندیشمندان و صاحب‌نظران گسترده‌ای را متوجه خود نمود. از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران تاکنون نظریات گوناگون و متنوعی در مورد نحوه و علل شکل‌گیری این انقلاب بوجود آمده است، که اشاره به همگی آن‌ها از حوصله بحث خارج است. انقلاب ایران از جهات گوناگون بررسی شده است، برخی آن‌را توطئه‌ای از سوی قدرت‌های بزرگ دانسته‌اند، بعضی شکاف‌های اقتصادی و دسته‌ای توسعه‌ناپذیر را عامل اصلی این انقلاب

دانسته‌اند. عده‌ای از تئوریسین‌ها در تبیین انقلاب اسلامی ایران، توقعات فزاینده و گروهی عوامل بین‌المللی و برخی باورها و اعتقادات مذهبی را پیش کشیده‌اند و همچنین از زوایای دیگر به تبیین این رخداد عظیم پرداخته شده است.

به علت فراوانی و تنوع در نوشته‌های موجود می‌توان با انجام طبقه‌بندی از نظریات، تصویر روشن‌تری از آن‌ها را به دست آورد. بر این اساس می‌توان نظریات و دیدگاه‌های پیرامون علل و ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را به دو دسته کلی به صورت ذیل تقسیم نمود:

۱ تحلیل‌های غیرعلمی و روایی انقلاب

این آثار کمتر جنبه نظری دارند و اکثراً مبتنی بر بیان حوادث غیرمنسجم تاریخی یا خاطرات افراد کلیدی رژیم پهلوی و یا نمایندگان کشورهای خارجی در تهران در دوران پهلوی هستند. اکثر آثار سیاستمداران، نظامیان، دیپلمات‌ها و روزنامه‌نگاران در خصوص انقلاب، در این گروه قرار می‌گیرد. مشخصه این گروه از آثار این است که بدون پشتوانه نظری به طرح یک سلسله از عوامل به عنوان علل ایجاد کننده انقلاب می‌پردازند، فرآیند انقلاب را به شکلی روایت گونه مطرح و تجزیه و تحلیل خود را از آن ارائه می‌دهند. این دسته از آثار را می‌توان به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

۱-۱ خاطرات نمایندگان سیاسی دولت‌های خارجی

کتاب «خاطرات دو سفیر» (۱۳۷۳) (۱) که دربرگیرنده خاطرات ویلیام سولیوان (William Healy Sullivan) سفیر آمریکا و آنتونی پارسونز (Anthony Parsons) سفیر انگلستان در تهران در زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران است.

۱-۲ اشخاص کلیدی رژیم پهلوی

این بخش شامل خاطرات و نوشته‌های اشخاص کلیدی رژیم پهلوی است. محمدرضا پهلوی در کتاب «پاسخ به تاریخ» توطئه دولت‌های غربی را عامل سقوط خود می‌داند. وی ریشه شکل‌گیری انقلاب را نتیجه توطئه سرخ و سیاه می‌داند (پهلوی، ۱۳۷۱: ۳۲۴). همچنین فریدون هویدا در کتاب خاطرات خود تحت عنوان «سقوط شاه» اشتباهات شخصی شاه را عامل انقلاب عنوان کرده است. فریدون هویدا در این زمینه می‌گوید: «انقلاب در ایران اجتناب ناپذیر بود. چون شاه در طول دو سال آخر سلطنتش بقدری نسبت به قوانین و ضوابط اجتماع و نیز در مورد عادت، رسوم و سنن مردم سهل‌انگار شده بود که گاهی حتی آن‌ها را به مسخره نیز می‌گرفت.» (هویدا، ۱۳۷۴: ۲۲۲). همچنین

حسین فردوست، عباس قره‌باغی و پرویز راجی از مهم‌ترین نویسندگان خاطرات محسوب می‌شوند.
(۲)

۳-۱ روزنامه نگاران

این بخش از آثار، نوشته‌های روزنامه‌وار از وقایع انقلاب است که با تکیه بر اسناد و مدارک و گاه تجربه‌های شخصی ایجاد شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به «داستان انقلاب» نوشته محمود طلوعی اشاره کرد. طلوعی، بازشدن فضای سیاسی، بهبود اقتصادی، همچنین نقش روشنفکران و بی‌ارادگی محمدرضاشاه را از جمله عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌داند (طلوعی، ۱۳۷۱: ۴۷۹-۴۸۸). همچنین کتابی تحت عنوان «انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی» زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی به چاپ رسیده است که به نقش و روایت‌های رادیو بی بی سی در شکل‌گیری انقلاب می‌پردازد. برای مثال در جایی از این کتاب این‌گونه آمده است که «هرچه اختناقات در ایران شدیدتر می‌شد، هرچه وزارت اطلاعات، جهان‌گردی و ساواک فشار خود را بر مطبوعات بیشتر می‌کردند و تعداد مطبوعات کاهش می‌یافت، مردم به رادیو بی بی سی توجه بیشتری نشان می‌دادند» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۲: ۵۹۹). از دیگر آثار در این زمینه می‌توان به کتاب «فردادستان، فرودستان؛ تحریر تاریخ شفاهی انقلاب» (۱۳۷۹) تألیف عمادالدین باقی، اشاره کرد.

۲ تحلیل‌های علمی انقلاب

این دسته از آثار با تکیه بر رهیافت‌های مختلف نظری سعی بر تبیین انقلاب ایران دارند. مهم‌ترین رهیافت‌های نظری در این زمینه عبارتند از:

۲-۱ فرهنگ محور

گروهی از اندیشمندان و نویسندگان در تحلیل انقلاب اسلامی ایران تمرکز خود را بر روی یک عامل قرار داده و بر یکی از عوامل فرهنگی، ارزشی، رهبری و روحانیون انقلاب، تأکید می‌کنند و سهم دیگر عوامل را نادیده می‌گیرند. از این چشم‌انداز، علت انقلاب را نباید در مسائل اقتصادی یا علت دیگری جستجو کرد، بلکه باید آن را در عوامل فرهنگی یافت. بر بسیاری از آثاری که بعد از انقلاب اسلامی در ایران درباره انقلاب منتشر شده این رهیافت حاکم است.

علی دوانی، در کتاب «نهضت روحانیون ایران» به بررسی تاریخی مبارزات روحانیون شیعه در ایران می‌پردازد و انقلاب اسلامی ایران را به این عامل گره می‌زند. از نظر علی دوانی، «روحانیت شیعه، شهادت را اصل و اساس کار خود می‌داند، و آنجا که دین و ملیت و کشور اسلامی را در معرض

خطر داخلی و خارجی قرار گیرد، قیام و حرکت انقلاب را فریضه دینی می‌داند، و مبارزه را تا پای جان فرض می‌شمارد» (دوانی، ۱۳۶۰: ۹).

حامد الگار (Hamid Algar)، در کتاب «انقلاب اسلامی در ایران»، تشیع را عامل اصلی وقوع انقلاب می‌داند. از نظر وی «انقلاب در ایران و تاسیس جمهوری اسلامی در این کشور از نقطه نظر تاریخی حاصل یک سلسله رویدادهایی است که با پیوستن اکثر ایرانیان به مکتب فکری تشیع، و به عبارت دیگر رسمیت یافتن این مذهب، در قرن شانزدهم میلادی آغاز گردید» (الگار، ۱۳۶۰: ۲۰).

میشل فوکو (Michel Foucault)، اندیشمند فرانسوی در کتاب «ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟» با دیدی فرهنگی به انقلاب ایران می‌نگرد. فوکو در کتاب خود بیان می‌کند: جمعیت معترض فقط شعار مرگ بر شاه نمی‌دادند، بلکه در کنار آن بر شعار "اسلام، اسلام" و "ما همه سرباز توایم خمینی" تاکید داشتند. «وضع سیاسی ایران ظاهراً در گروهی یک نبرد تن به تن عظیم میان دو هم‌اورد با همه نشان‌های معهود و دیرین است؛ شاه و قدیس، حاکم مسلح و تبعیدی بی‌سلاح، سلطانی مستبد و در برابر او مردی که دست خالی و به پشتیبانی یک ملت به پا خواسته است» (فوکو، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۴).

عمید زنجانی نیز در اثر خود «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن» معتقد است: «تنها عاملی که به عنوان علت اصلی و عامل اول می‌توان از جریان انقلاب، از تولد تا پیروزی از آن استنباط نمود، اعمال سیاست اسلام زدایی توسط شاه بود ... اما از آنجا که مردم ایران پایبند اسلام و روحانیت بودند در همان گام اول با مقاومت روحانیت و مردم مواجه شد» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۵۷۲-۵۷۳). در این زمینه منوچهر محمدی نیز در کتاب خود به نام «تحلیلی بر انقلاب اسلامی»، بی‌توجهی رژیم به ارزش‌های مذهبی و بی‌تفاوتی نسبت به خواست رهبران مذهبی و در کل جدایی از اسلام و بازگشت به فرهنگ و ارزش‌های قبل از اسلام را عامل شکل‌گیری انقلاب ایران معرفی می‌کند (محمدی، ۱۳۶۵: ۸۰-۸۱). در رهیافت فرهنگ محور در خصوص شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران می‌توان به کتاب محمد شجاعیان با عنوان «انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی» (۱۳۸۲) اشاره کرد. همچنین آثار افرادی نظیر سید حمید روحانی با عنوان «بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی» (۱۳۶۱) و حمید پارسانیا با عنوان «حدیث پیمانانه؛ پژوهشی در انقلاب اسلامی» (۱۳۷۷) در این رهیافت قرار می‌گیرند. همگی این آثار عواملی چون ایدئولوژیک شدن اسلام، رهبری امام، تشیع و سایر عوامل عمدتاً مذهبی را عامل انقلاب دانسته‌اند.

۲-۲ اقتصاد محور

در بعضی از دیدگاه‌ها بر تأثیر اقتصاد سیاسی یا ساختار اجتماعی بیشتر تأکید می‌گردد و عوامل فرهنگی و روان‌شناختی مفروض گرفته می‌شود. تحلیل‌های چپ‌گرایان و (گروه‌های مختلف مارکسیستی)، که انقلاب را بر مبنای زیرساخت اقتصادی تفسیر می‌کنند، در شمار تحلیل‌های اقتصادی جای دارند. همایون کاتوزیان در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۴۰ را سال‌های استبداد نفتی معرفی کرده است. از دیدگاه او ترکیب این عامل با آنچه شبه‌تجدد نامیده است، ریشه‌های انقلاب ایران را تشکیل داد. به عقیده وی انقلاب سال ۱۳۵۷ پایانی بر استبداد شبه‌مدرنیست رضاشاه، ۱۲ سال فترت و حاکمیت دوگانه (۳۲-۱۳۲۰)، یک دهه دیکتاتوری (۴۲-۱۳۳۲) و پانزده سال استبداد شبه‌مدرنیست متکی بر نفت بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۷۹).

حمید رضا ملک‌محمدی نیز در اثر خود «از توسعه لرزان تا سقوط شتابان» از بعدی اقتصادی به تحولات عصر پهلوی و سقوط آن نظر می‌افکند. از دیدگاه ایشان، افزایش ناگهانی بهای نفت به ایجاد دو توهم در رژیم پهلوی انجامید؛ توهم توان و توهم ایجاد تمدن بزرگ. اما با کاهش درآمدهای نفتی، حلقه‌های ناکارآمد دولت تبدیل به بحرانی بزرگ برای رژیم شد که حاصل آن فروپاشی حکومت پهلوی بود (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۲۴۷).

هوشنگ امیراحمدی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «انقلاب‌های طبقه متوسط در جهان سوم»، انقلاب ایران را حاصل ایجاد فقر، تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود، توسعه نابرابر بخش‌ها، وابستگی و دیکتاتوری می‌داند (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۷۲). این اندیشمندان عمدتاً با بررسی مدل توسعه شاه، ترکیب استبداد نفتی و شبه‌تجدد و ظهور پدیده دولت رانتیر^(۳) را عامل مهم تحقق انقلاب دانسته‌اند.

۲-۳ روان‌شناختی محور

نوشته‌هایی که مبنای تحلیل خود را بر عوامل روانی قرار داده‌اند، مانند آثاری که یا با بهره‌گیری از روان‌شناسی فردی به سهم شخصیت شاه در مواجهه با اغتشاشات توجه نموده یا رویکرد روان‌شناسی جمعی را برای شناخت این اقدام جامعه ایرانی مدنظر قرار داده‌اند، در دسته تحلیل‌های روان‌شناختی قرار می‌گیرند.

ماروین زونیس (Marvin Zonis)، در کتاب «شکست شاهانه» پس از تحلیل شخصیت درونی شاه، معتقد است که «مهم‌ترین شخصیتی که حمایت خود را از نظام پهلوی برداشت، در نهایت خود شاه بود» (زونیس، ۱۳۷۰: ۱۶۴) نکته اصلی تحلیل‌های روان‌شناختی اجتماعی بررسی شکاف‌های

حاصل از انتظارات شکل گرفته و سطح ارضای نیازها در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب است. تبیین‌هایی که در چهارچوب تحلیل‌های روان‌شناختی جیمز دیویس (James Chowning Davies) انجام شده نیز در این راستاست.

حسین بشیریه در اثر خود «دولت و انقلاب ایران»، انقلاب ایران را بر اساس نظریه منحنی جی (J) (J)، دیویس توضیح می‌دهد. به نظریه بشیریه افزایش منابع اقتصادی در مدت زمانی کوتاه باعث افزایش انتظارات طبقات پایین شد اما با شکل‌گیری بحران در رژیم پهلوی منابع اقتصادی کاهش یافت در حالی که انتظارات همچنان افزایش می‌یافت و این عامل شکل‌گیری انقلاب ایران بود (Bashirieh, 1984: 85).

۲-۴ سیاسی محور

این دسته از نویسندگان از منظری سیاسی به چگونگی وقوع انقلاب ایران می‌نگرند. صادق زیباکلام در «مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی» استبداد و دیکتاتوری تاریخی حاکم بر ایران را عامل اصلی انقلاب می‌داند. از نظر وی استبداد سیاسی، خفقان، نامحدود بودن اختیارات شاه و حکام و درباریان، فقدان قانون و امنیت فردی و دخالت بیگانگان در امور کشوری عوامل اصلی شکل‌گیری انقلاب در ایران می‌باشند (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

۲-۵ چندعلتی

بسیاری از تحلیل‌گران انقلاب اسلامی بر این باورند که انقلاب نمی‌تواند فقط به یک یا دو عامل مسلط متکی باشد، بلکه این رویداد نتیجه تقارن عوامل مختلفی است. برای نمونه یرواند آبراهمیان (Ervand Abrahamian) در کتاب «ایران بین دو انقلاب» (۱۳۷۸) از دو منظر اقتصادی و سیاسی دست به تفسیر و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. همچنین می‌توان از کتاب «مقاومت شکننده» (۱۳۷۷) اثر جان فوران (John Foran) نیز در این دسته یاد کرد.

رهیافت چندعلتی (چند عاملی)، هرچند بر عوامل مختلف تأکید می‌کند و نمی‌کوشد فقط یک عامل را بزرگ جلوه دهد، ممکن است به کلی‌گویی دچار شود. در اینکه علل و عوامل مختلفی در همه انقلاب‌ها دخیل بوده‌اند شکی نیست، اما بحث بر سر این است که کدام علت و به چه میزان تأثیر بیشتری در هر یک از مراحل انقلاب داشته است.

آن‌گونه که مشاهده می‌شود از زوایای بسیاری می‌توان انقلاب ایران را تحلیل کرد. البته این موارد تنها چکیده‌ای از مهم‌ترین آثار در این زمینه می‌باشند. در این رساله سعی شده است تا از دیدگاهی نوین به بررسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران پرداخته شود. این پایان‌نامه به بررسی

ارتباط بین نظریه حکمرانی خوب و شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. به نحوی که نظریه حکمرانی خوب به صورت یک الگو با شاخص‌هایی مشخص معرفی می‌شود و سعی بر این است که این شاخص‌ها را در دوره مدنظر مورد سنجش و واکاوی قرار دهیم تا از این رهگذر تحقیقی نوین را در ارتباط با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران عرضه نماییم.

سؤال اصلی تحقیق

این پایان‌نامه در پی پاسخ‌گویی به سؤال زیر است:

ساختار حکومتی در دوران پهلوی دوم (فیمابین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷) تا چه اندازه‌ای با نظریه حکمرانی خوب و شاخص‌های آن (ثبات سیاسی، مشارکت سیاسی و کنترل فساد سیاسی) سازگاری داشته و این مساله چه نقشی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران داشته است؟

سوالات فرعی تحقیق

همچنین علاوه بر سؤال اصلی، این پایان‌نامه سعی در پاسخ‌دهی به سوالات فرعی زیر دارد:

- ۱) حکمرانی خوب چیست و دارای چه شاخص‌هایی است؟
- ۲) شاخص‌های حکمرانی خوب در دوران پهلوی دوم چگونه بوده‌اند؟

فرضیه تحقیق

در این پایان‌نامه در راستای جواب به سؤال اصلی تحقیق این فرضیه مطرح شده است که: ویژگی‌های ساختاری حکومت در دوران پهلوی دوم بویژه در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ مغایر با نظریه حکمرانی خوب و شاخص‌های آن بوده است و در این دوره با کاهش ثبات سیاسی، تضعیف مشارکت سیاسی و افزایش فساد سیاسی شاهد رویارویی دولت با جامعه مدنی هستیم که این عوامل باعث تسریع در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران شده است.

متغیرها

در این پایان‌نامه دو متغیر مستقل و وابسته مشخص شده است. حکمرانی خوب به عنوان متغیر مستقل و تسریع شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران متغیر وابسته است. رابطه بین این دو متغیر همبستگی منفی است. یعنی به این شکل که با کاهش متغیر مستقل یا همان کاهش معیارهای نظریه حکمرانی خوب، متغیر وابسته بالا می‌رود. به عبارت روشن‌تر کاهش شاخص‌های حکمرانی خوب در دوران پهلوی دوم باعث تسریع در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران شده است.

روش تحقیق

با توجه به بعد تاریخی موضوع پایان‌نامه روش تحقیق به صورت تبیینی و علی خواهد بود. به این صورت که بعد از جمع‌آوری اطلاعات خام مورد نیاز و توصیف آن‌ها به تجزیه و تحلیل ارتباط آن‌ها با شاخص‌های نظریه حکمرانی خوب به منظور کشف عوامل وقوع انقلاب اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

روش و ابزارهای گردآوری اطلاعات و داده‌ها

روش جمع‌آوری اطلاعات در این پایان‌نامه با توجه به موضوع مورد نظر کتابخانه‌ای و اسنادی است. بدین طریق که اطلاعات خام تحقیق از طریق کتب، مجلات و اسناد موجود در کتابخانه‌ها و سازمان‌ها جمع‌آوری شده است. در کنار آن‌ها بخشی از داده‌ها نیز از طریق سایت‌های اینترنتی گردآوری شده است.

اهداف تحقیق و پیامدهای اثبات فرضیه

هر تحقیقی در ذات خود برای نیل به اهدافی انجام می‌شود. در این رساله نیز به طبع اهدافی مطرح است. اولین و شاید مهم‌ترین هدف این پایان‌نامه احساس خلأ در ادبیات موجود موضوع از منظر مورد بررسی است. بدین ترتیب رسیدن به دریافتهای نوین و روشن‌تر از ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران با توجه به نظریه نوین حکمرانی خوب مدنظر است. شاید به نظر رسد که مطالب مربوط به تاریخ تحولات فاقد نوآوری است، اما با تغییر زاویه دید به گذشته می‌توان به دریافتهای جدیدی از آن رسید. چنانچه گفته می‌شود گذشته چراغ راه آینده است. بنابراین با فهم هرچه بهتر گذشته می‌توان از تجربیات و پیامدهای گذشتگان، نظام حال و آینده را طراحی کرد. از این رو می‌توان با بهره‌گیری از نتایج به دست آمده در عملکردهای حکومتی بهبود ایجاد نمود.

سازماندهی پایان‌نامه

این پایان‌نامه متشکل از دو فصل می‌باشد. فصل اول به مفهوم حکمرانی خوب اختصاص دارد. در این فصل به بررسی مفاهیمی چون حکمرانی، خوبی و تعاریف و شاخص‌های حکمرانی خوب پرداخته می‌شود. همچنین این فصل، چارچوب نظری پایان‌نامه را شکل می‌دهد. در این بخش به تعریف حکمرانی خوب در قالب یک الگو و عملیاتی‌کردن این تعریف پرداخته شده است. در ادامه